

هو العليم

شمول استطاعت نسبت به حج پیاده در لسان آیات و روایات

نقد تفسیر فقهی زاد و راحله با استناد به آیات و سیره

پیامبر

سلسله دروس خارج فقه - کتاب الحج - ادامه باب

استطاعت در حج - جلسه هشتاد و یکم

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

قدس الله سرّه

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

معنای استطاعت در دو آیه حج، پیش از

مراجعه به روایات

در جلسه گذشته درباره لحاظ استطاعت در آیه

شریفه که می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ

الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾^۱

عرض شد که عبارت ﴿مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ

سَبِيلًا﴾، به‌طور کلی و به اعتقاد بنده و آن نظره

عرفیه، قسم اول از دو قسم تقیّد است و ربطی به آیه

قبل و تصریح آن نسبت به کیفیت استطاعت ندارد.

آیه قبل می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ

يَا تُوَكِّلْ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ

فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۲. ﴿فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ یعنی از هر بقعه‌ای از

بقاع ارض و نقطه‌ای از نقاط ارض، ﴿يَا تُوَكِّلْ

رِجَالًا﴾ با پای پیاده بیایند، ﴿وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ﴾

^۱ سوره آل عمران (۳) آیه ۹۷.

^۲ سوره حج (۲۲) آیه ۲۷.

یعنی بایِ نحوِ کان و بایِ قسم و بایِ کیفیت به حج
بیایند.

در اینجا می بینیم که به ﴿رَجَالٌ﴾ تصریح شده
است؛ یعنی با مشی و همین طور با وسیله ناهموار؛
این طور نیست که حتماً باید با هواپیمای بزنس
کلاس امریکایی شیک و با پذیرایی مخصوص و
ویژه، به حج بیایند؛ بلکه ﴿يَا تُوكَ رَجَالٌ﴾ و عَلٰی
كُلِّ ضَامِرٍ﴾ یعنی با شتر از کار افتاده و لنگ که در
شُرَف ماندن در راه است، باید به حج بیایند! ببینید
اینها نکاتی است که فقیه باید در نظر بگیرد و میزان
اهتمام شارع را نسبت به تکلیف تشخیص دهد، که
به این نحو است.

همین مسئله را می بینید که در ﴿وَلَلَّهِ عَلَى النَّاسِ
حِجُّ آلِ بَنِي تٍ مِّنْ أَسْ تَطَاعَ إِلَىٰ هَ سَبِيلٍ﴾
هم می آید. اگر شما همین مسئله را در این دو آیه
مورد بررسی قرار دهید، می بینید - فعلاً این دو آیه را
در نظر بگیرید تا بعداً سراغ روایات برویم - در یک
آیه می فرماید: ﴿وَأُذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحِجِّ يَا تُوكَ
رَجَالٌ﴾ و عَلٰی كُلِّ ضَامِرٍ يَا تَيْنَ مِّنْ كُلِّ فَجٍّ

عَمِيقٌ ﴿۱۰﴾؛ از تمام نقاط باید بیایند؛ یعنی آیه صراحت و دلالت دارد که بای تَحْوِکَانَ باید به حج بیایند و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ آلِ بَنِي تٍ مِّنْ أَسْ تَطَاعٍ إِلَىٰ هِ سَبِيلٍ ﴿۱۱﴾﴾؛ یعنی هر کسی که می تواند. با در نظر گرفتن این دو آیه، استطاعت چه معنایی پیدا می کند؟ آیا استطاعت به شرط وجود هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ محقق می شود و یا اینکه اگر مرکب در حال مرگ داشته باشد و یا بتواند لنگان لنگان برود، مستطیع می شود؟! کدام یک از این دو، معنای استطاعت است؟! من از جانب خودم نمی گویم، این صراحت آیه قرآن است و جبرئیل هم بر پیغمبر وحی آورده است؛ و ابی بصیر و سکونی هم نقل نکرده اند؛ روایت مرسل و امثال ذلک هم نیست! آیه، استطاعت را به معنای «توان» به ما می فهماند؛ یعنی اگر توان داشتید و می توانید.

این همان معنایی است که ما از آیه، اولاً بلا اول، بدون مراجعه به روایت، بدون مراجعه به مردم و افکار مردم، می فهمیم. آیه در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شده است و ائمه علیهم السّلام

هم با همین قرآن با مردم صحبت می کردند؛ یعنی
همین قرآن، روش تخاطب با مردم بوده است.

تنافی معنای مصطلح و مشهور استطاعت

در بین فقها با صریح آیه

حالا با توجه به این قضیه، استفاده ما از این آیه،
آیا رفتن به حج با اطمینان، با استکانت، با مهیا بودن
همه چیز، با در اختیار داشتن همه وسایل و امکانات
و با آرامش خاطر نسبت به همه امور است؟! آیا شما
این استطاعت را برای وجوب حج شرط می دانید؟!
اگر این طور است پس درباره صریح آیه که
می فرماید: ﴿يَا تُوكِرِجَالَٰ وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ﴾
چه می گوید؟! اگر معنای استطاعت زاد و راحله،
مئونه برای عیال، قوت عیال و مئونه برای برگشت،
تخلیه سرب و امثال ذلک باشد، شما این استطاعت را
از کجا استفاده می کنید؟! آیه این را که بیان شد،
می گوید. هنوز راجع به روایت هم صحبت نکرده ایم
تا ببینیم مقصود و منظور امام علیه السلام از تفسیر
استطاعت چیست. در واقع ما وقتی که درباره خود
این آیه صحبت می کنیم، آیا با کنار هم قرار دادن دو
آیه، این آیه، تفسیر استطاعت در آن آیه نیست؟! من

از شما سؤال می‌کنم که آیا آیه ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ تفسیر استطاعت نیست؟! این آیه که مطالب اخلاقی، شعر و امثال ذلک ندارد، بلکه حکم است؛ حکم صریح نسبت به این مسئله است.

پس استطاعت در اینجا به آن معنایی که اکنون مصطلح است و در بین فقها مطرح است، نمی‌باشد. آیه این استطاعت را نمی‌رساند، تا اینجا بحث مربوط به آیه بود، فعلاً بحث روایت نداریم.

پس تا اینجا متوجه می‌شویم آنچه را که در معنای استطاعت گفته شده است که باید شخص زاد و راحله داشته باشد و بدون آن، استطاعت حاصل نمی‌شود و یا اینکه مئونه و قوت عیال، مئونه برگشت، مئونه عمه، خاله، دایی و امثال ذلک داشته باشد و همه چیزهایی را که الآن مطرح است که من باب مثال **نعوذ بالله** می‌توانید اول شوال اسقاط استطاعت کنید، این استطاعتی که الآن در میان عرف، عوام و اهل علم مطرح است، قطعاً با صریح آیات منافات دارد؛ چون آیه می‌فرماید که اگر می‌شود باید

مشياً به حج بروی، ﴿وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ﴾ هم شده است باید به حج بروی و این استطاعت مصطلح، با استطاعت مذکور در آیه منافات دارد و در مقابل هم قرار دارند.

این بحث مربوط به استطاعت در آیات بود. البته همان طوری که عرض کردم نکات دیگری در اینجا وجود دارد، مثل اینکه چرا در آیه کلمه ﴿النَّاسِ﴾ بیان شده است؛ که قبلاً این بحث‌ها مطرح شد.

معنای استطاعت بنابر روایات؛ زاد و

راحله نداشتن بسیاری از همراهان پیامبر

صلی الله علیه و آله در حجّ

حالا به سراغ روایات می‌آییم که یک دسته سنت رسول الله و ائمه علیهم السّلام را در مورد حج بیان می‌کنند و یک دسته روایاتی است که توسط ائمه علیهم السّلام به مخاطبین القاء شده است.

اگر در نظر رفقا باشد، سابق گفتیم که در حجی که رسول الله با اهل مدینه انجام دادند، بسیاری از آنها زاد و راحله نداشتند و با پای پیاده آمدند و به خاطر نداشتن زاد و مئونه سفر، در حال روزه با دانه خرما افطار می‌کردند. إن شاء الله روایاتی را که مربوط به

حج در زمان پیغمبر است و از امام صادق و امام رضا علیهما السّلام نقل شده است، فراموش نکرده‌ایم؛ همان روایاتی که مربوط به کراء الغمیم است، که افراد از تعبِ مشی شکایت کردند و رسول خدا دستور دادند که در یک جا توقف کرده و تجدید قوا کنند و دوباره حرکت کنند و به آنها فرمودند: «عیبی ندارد، شما عقب‌تر بیایید و هر جا خسته می‌شوید، در آنجا توقف کنید و بعد حرکت کنید.»^۱ رسول الله با اصحابشان هفتاد فرسخ بین مدینه و مکه را مشیاً طی کردند و حضرت وجوب حج را مشیاً به آنها القاء کردند.

کجای این حج، زاد و راحله‌ای بود؟! چه زمانی رسول خدا چنین دستوری دادند؟! مگر حکم حج در زمان رسول خدا با زمان امام صادق علیه السّلام فرق می‌کند؟! حج، حج است؛ اگر بر کسی واجب باشد، واجب است؛ و اگر هم نباشد، که نیست. اگر

^۱ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۱:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ أَوْ عَلَيْهِ أَنْ يُحَجَّ؟ قَالَ: «نَعَمْ، إِنَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَاجِبَةٌ عَلَى مَنْ أَطَاعَ الْمَشْيَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ لَقَدْ كَانَ أَكْثَرُ مَنْ حَجَّ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مُشَاةً وَ لَقَدْ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِكَرَاعِ الْغَمِيمِ فَشَكُوا إِلَيْهِ الْجَهْدَ وَ الْعَنَاءَ فَقَالَ شَدُّوا أَرْكُم وَ اسْتَبْطِنُوا فَفَعَلُوا ذَلِكَ فَذَهَبَ عَنْهُمْ.»»

بگوییم: «معنای استطاعت این است که آقایان می‌گویند»، در زمان رسول خدا که افراد تمکّن نداشتند، طبعاً حج بر آنها واجب نبود! پس چرا با این وضع به حج می‌رفتند؟! اگر بگویید که فرق می‌کند، مثل این است که در زمان رسول خدا هر کسی دیسک بگیرد، باید ایستاده نماز بخواند، ولی در زمان امام صادق باید بخوابد! کسی که دیسک می‌گیرد باید بخوابد و مستلقیاً بخواند؛ حالا چه در زمان رسول‌الله و چه در زمان امام صادق باشد، فرقی نمی‌کند. مریض، مریض است؛ هر شخصی که باید طبق آیه شریفه ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾^۱ در زمان پیغمبر افطار کند، در زمان امام صادق هم باید افطار کند؛ احکام عوض نشده است که بعضی‌ها این‌طور توجیه کرده‌اند!

تلمیذ: مصالح صدر اسلام با وقتی که اسلام مستقر شد، فرق دارد.

استاد: ببینید آن مسئله به کیفیت حج، شعائر

^۱ سوره بقره (۲) آیه ۱۸۴.

بودنش و اینکه کعبه خالی نباشد و زائر داشته باشد، مربوط می‌شود. آنهایی که این مسئله را گفته‌اند، اصلاً نظرشان این نبوده است؛ فقط نظرشان بر این بود که چون آنها فقیر بودند، لذا در آن موقع رسول‌الله اجازه دادند، درحالی که فقر، فقر است و فرقی ندارد که در زمان پیغمبر باشد یا غیر او. کسی که با راه رفتن پایش درد می‌گیرد، فرق نمی‌کند که در زمان پیغمبر باشد یا در زمان امام صادق؛ هر دو یکی است. تلمیذ: می‌گوییم که آن حج برای استقرار اسلام بود تا مسلمین اظهار قدرت کنند و باعث گسترش اسلام شود.

استاد: استقرار اسلام، مسئله دیگری است که بر حاکم واجب است تا در صورت خلوت بودن حج، افرادی را بفرستد و اجبار کند و از بیت‌المال هم به آنها بدهد که در جلسه گذشته صحبت کردیم. شبهه‌ای مطرح می‌شود که آیا این افراد، حجتان حج ضروره است یا استحبابی است؟ ولی به واسطه مصالحی، الزامی است و با توجه به جمع روایات متعدد، مثل روایت امام رضا علیه‌السلام که

می فرماید: «**إنما فرض الله الحج مرة واحدة**»^۱ در

جمع بین اینها ما می توانیم بگوییم که منظور روایات این است که بر حاکم اسلام واجب است که در صورت خلوت بودن بیت و عدم ازدحام حاج، افرادی را برای حج الزام کند و حتی اگر فقیر باشند، از بیت المال بدهد.

تلمیذ: منظورم این نبود. منظورم این بود که چون در آن موقع، اسلام تازه بود، برای اینکه مکه شلوغ بشود و عده مسلمین زیاد بشود و در قبال کفار، مسلمین اظهار قدرت کنند؛ یعنی اعمال قدرت کند و باعث گسترش و استقرار اسلام بشود.

احتساب حجّ پیاده به عنوان حجة الاسلام واجب

استاد: حج حکم شرعی یسقط إذا حجّ مع الاستطاعة و لا يجب عليه الإعادة، برفرض که بپذیریم اشخاص به خاطر این مصلحت با رسول خدا

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۰:

«عن محمد بن سنان أن أبا الحسن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله. قال: "عِلَّةُ فَرَضِ الْحَجِّ مَرَّةً وَاحِدَةً، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضَعَ الْفَرَائِضَ عَلَى أَدْنَى الْقَوْمِ قُوَّةً؛ فَمِنْ تِلْكَ الْفَرَائِضِ الْحَجُّ الْمَفْرُوضُ وَاحِدًا. ثُمَّ رَغِبَ أَهْلُ الْقُوَّةِ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِمْ".»

مشياً و بدون راحله به حج رفته بودند، به حدّی که حتی قوت هم نداشتند و بعضی ها از شدت گرسنگی به تعب افتادند! و [لی] در عین حال، رسول الله آنها را با خود بردند و آنها حجة الاسلام را انجام دادند؛ آیا این حجة الاسلام مجزی بوده است یا نه؟ این حج در حالی است که آنها طبق فرمایشی از امام صادق علیه السلام که استطاعت را زاد و راحله می دانند، مستطیع نبودند. البته قبلاً صحبت کردیم که اصلاً استطاعت، زاد و راحله نیست و حتی مشياً را هم شامل می شود. ما در وهله اول نسبت به اصل حکم نگاه می کنیم که این حجی که انجام داده اند، از دو حال خارج نبوده است:

اول اینکه اگر حجة الاسلام باشد، بنابراین حجة الاسلام را بدون شرایط انجام داده اند؛ پس چطور مسقط تکلیف است؟!

دوم اینکه اگر حجة الاسلام نبوده است، پس چرا رسول خدا به آنها نفرمودند که باید دوباره حج را انجام دهید؟! مگر در مورد افراد دیگر، مثلاً در مورد

غلام روایت نداریم که «فَإِنْ أُعْتِقَ أَعَادَ الْحَجَّ»؟!^۱

تلمیذ: حمل بر استحباب کرده‌اند.

استاد: مستحب نه، واجب! ما بحثمان در وجوب

است؛ مگر در مورد صبی و مراهق روایت نداریم که

إِذَا بَلَغَ يَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ؟!^۲ یا مگر در مورد ناصبی

روایت نداریم وقتی که مستبصر شد، يَجِبُ عَلَيْهِ

الْإِعَادَةُ؟! یا در مورد کسی که او را به حج ببرند، مگر

روایت نداریم که اگر مستطیع شد، واجب است

إِعَادَهُ كُنْد؟! کسی که او را می‌برند، غیر از کسی است

که به او بذل مال می‌کنند؛ یک وقت به شخصی بذل

مال و هبه می‌کنند و شخص هم تملک می‌کند، در

این صورت لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ، ولی یک وقت

هم به او می‌گویند که بیا تو را با خودمان ببریم، ما با

ماشین می‌رویم، تو هم بیا سوار شو تا برویم؛ در این

صورت، اعاده واجب است. در تمام این روایت،

«واجب است» به چه معناست؟ به این معناست که

آن حکم اوّل حجة الاسلام لولائیه است؛ یعنی اگر

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۰.

^۲ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۹.

مستطیع نشدی، آن حج، حجة الاسلام است؛ و اِلَّا حجة الاسلام به حساب نمی آید.

حالا اگر این افرادی که مشیاً با رسول الله به حج رفته اند و حج انجام داده اند، بعداً زاد و راحله پیدا کنند، آیا **يجب عليهم الإعادة أو لا؟**! شما نمی توانید بگویید: **«يجب عليهم الإعادة»**؛ چون حکمی که پیغمبر در آنجا کردند و برخوردی که پیغمبر داشتند، حکم و برخورد حجة الاسلام بود. در هیچ جا نداریم که رسول الله به آنها گفته باشد که اگر زاد و راحله پیدا کردید و وضعتان خوب شد، باید دوباره حج انجام دهید! بله، روایت: **«إن الله عزّ و جلّ فرض الحجّ علی اهل الجدة فی کلّ عامٍ»**،^۱ مسئله دیگر و بحثی است که ما آن را می خوانیم، ولی اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم بگوید: «من این را به عنوان حجة الاسلام قبول ندارم، بلکه فعلاً به عنوان رعایت مصالح به حج بیاید تا جمعیت شما باعث جلب توجه و امثال ذلک شود و همه ببینند که حج شلوغ شده است، ولی بعداً وقتی که حجاج

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۷.

به قدر کفایت در مراسم حج شرکت کردند، آن موقع تکلیف مجدد بر شما عارض می شود و در صورت استطاعت تکلیف مجدد پیدا می کنید»، [نداریم! آیا حضرت چنین فرموده است؟!] همان طور که به شخصی که به عنوان آشپز کاروان به مکه رفته است، می گویند: «اگر مستطیع شدی، دوباره باید حج انجام دهی!» یا به شخصی که به عنوان مُبَلِّغ به حج رفته است، می گویند: «اشکال ندارد، ولی بعداً که مستطیع می شوی، باید دوباره حج انجام دهی!» همین طور به پزشک کاروان می گویند که دوباره باید به حج برود! اما ما گفتیم که تمام اینها حجة الاسلام می باشند.

پس حَجّی را که افراد در زمان رسول الله مشیاً انجام داده اند، قطعاً حجة الاسلام بوده است، اما اینکه چطور با روایت امام صادق علیه السلام که می فرمایند: **«الاستطاعة هو الزاد و الراحة»**، سازگار است؟ إن شاء الله در جلسه بعد به آن می پردازیم.

اللهم صلّ على محمد و آل محمد